

وضعیت عمومی ناشنوایان ایران مصاحبه با خانم لیلا اعتماد^۱

مصاحبه کننده: حسین مسلمی نائینی

اشاره

به مناسب روز جهانی ناشنوایان برای مصاحبه به خانم اعتماد پیامک فرستادم، نه یک بار که چندین بار. ولی به رغم اینکه مرا می‌شناخت و ارتباط کاری که با من داشت؛ پاسخ به پیامک‌های من نمی‌داد. از این رو با خودم گفتم حتماً پس از استعفا از پست مدیریتی خود در انجمن خانواده ناشنوایان، ارتباطش را با همه قطع کرده است. از مصاحبه با ایشان منصرف شدم. یک ماهی گذشت اما کسی را به عنوان جانشین ایشان برای مصاحبه پیدا نکردم. و دل را به دریا زدم و برای آخرین بار برای ایشان پیامک فرستادم. اما در کمال ناباوری از ایشان پیامک رسید: «سلام آقای مسلمی ان شاءالله خوب و سلامت باشید و ممنون از لطفتان. البته بدقول شدم آن هم به خاطر سفر دو هفته به ترکیه برای شرکت در کنفرانس جهانی ناشنوایان». خوشحال شدم و جریان مصاحبه با ایشان را در میان گذاشتم. با روی باز استقبال کرد و قرار شد، مجموعه سؤالات را برای ایشان بفرستم و پاسخ‌ها را کتباً دریافت کنم. جا دارد همین‌جا از ایشان تشکر کنم؛ چون با وجود خستگی سفر؛ همچنین درگیری شبانه‌روزی برای به اتمام رساندن مجله پیک ناشنوا که پس از ۶ سال دوندگی مجوز آن را دریافت کرده همواره در غم هموعانش است.

مدیریت توان‌نامه درصدد است در هر موضوعی مطرح می‌کند، از همه شخصیت‌ها و از صاحبان جریان‌های فکری متعدد، نظر آراء داشته باشد. در باب وضعیت ناشنوایان و زبان اشاره هم، از کانون ناشنوایان ایران و آقایان موسوی مصاحبه دریافت کردیم، نیز لازم بود از شخصیت منسوب به انجمن خانواده‌های ایران هم مصاحبه می‌گرفتیم. با چند شخصیت محترم تماس گرفته شد، حتی سؤالات ارسال شد. اما فعلاً فقط از خانم اعتماد مصاحبه دریافت شده است. با تشکر از ایشان و نیز از دیگر رؤسا و مدیران محترم انجمن خانواده ناشنوایان ایران. این نشریه تمام وقت در خدمت شماست.

ز رحمت گشاید در دیگری» به اثبات برساند. بهر حال؛ اهتمام ویژه والدینم در امر تحصیلی من در آموزشگاه‌های ناشنوایان در شهر شیراز مسبب انگیزه زیادی من در امر تحصیلی از ابتدائی تا پایان دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ شده است و از آنجایی که تا پایان سال ۱۳۶۰ تنها آموزشگاه ناشنوایان به نام شهید کاشف (بهار سابق) در شهر شیراز تا مقطع راهنمایی بیشتر ندارد و بنده اولین فارغ‌التحصیل این مقطع در آموزشگاه بودم؛ لذا پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۶۱ ازدواج کردم؛ اما به دلیل علاقه شدید به ادامه تحصیل و گرفتن دیپلم ناچار شدم با توجه به مشکلات خانوادگی و داشتن فرزند و نیز مشکل تحصیلی در مدارس روزانه عادی، به صورت متفرقه دیپلم خود را در رشته علوم انسانی (علوم اجتماعی) کسب نمایم و الحمدالله به صورت معلم حق‌التدریس و بعد از سه سال خدمت در پست آموزگار رسمی؛ استخدام شده‌ام و از همان زمان به صورت متناوب تا مرحله اخذ لیسانس ادامه تحصیل نموده‌ام و در حال حاضر با بیست و نه سال خدمت در آموزشگاه‌های ناشنوایان تهران در پست‌های آموزگار رسمی و دبیر استثنائی و با مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی دارای سوابق خدمت به دانش‌آموزان ناشنوا هستیم. لازم به ذکر است؛ به دلیل علاقه‌مندی به ادامه تحصیل؛ در حال حاضر نیز دانشجوی ترم سوم فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی هستیم.

* سرکار خانم لیلا اعتماد طبق معمول هر مصاحبه؛ خواهشمند است ضمن معرفی خودتان به خوانندگان مجله توان‌نامه؛ شرح مختصری از سوابق کاری‌تان را بیان نمایید؟

- با سلام به شما و همچنین خوانندگان خوب مجله توان‌نامه. لیلا اعتماد هستم؛ رئیس سابق هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان؛ و خودم نیز ناشنوای مطلق می‌باشم. در خانواده هفت نفری (یک خواهر و پنج برادر) در شیراز به دنیا آمدم. در دوران کودکی مشکل شنوایی نداشته و همانند خواهر و برادرانم تا سن چهار سالگی از سلامتی کامل برخوردار بودم. بعد از این سن بر اثر ابتلای به بیماری سرخک قدرت شنوایی‌ام را به طور کامل از دست دادم و از آنجایی که من فرزند آخر از خانواده هفت نفری بودم و مبتلا شدم به ناشنوایی تأثیر زیادی را روی والدینم گذاشت و علیرغم داشتن چند فرزند اهتمام و توجه ویژه‌ای را روی تربیت کردن من داشته‌اند و در امر تربیت من با اعتقادات اسلام؛ تحصیلی؛ ورزشی و... از هیچ کوشش و تلاش خود فروگذار نکرده‌اند و از این جهت موفق شدن بنده در زمینه‌های مختلف را مدیون پدر و مادرم می‌دانم؛ گرچه اعتقاد دارم وجود معلولیت بنده از اسرار و رموز عالم غیب الهی است تا از این طریق به بندگان خدا و گل‌های خاموشان خدمت نمایم و حتماً دری از حکمت خداوند است که من از آن بی‌اطلاع هستم تا مصداق «خدا گر ز حکمت ببندد دری؛

۱. رئیس سابق هیئت مدیره انجمن خانواده ناشنوایان ایران.



شورای هماهنگی که در حال حاضر به همکاری با آن شورای معلولین مشغول هستیم.

* وضعیت عمومی؛ اجتماعی؛ معیشتی و فرهنگی ناشنوایان را چگونه می‌بینید؟

همان‌طوری که بنده بارها در مصاحبه‌های مختلف در خبرگزاری‌ها؛ نشریات و مجلات مرتبط گفته‌ام، باز هم می‌گویم یکی از عمده‌ترین مشکلات مربوط به ناشنوایان مسائل اشتغال؛ ازدواج و مسکن همانند جوانان عادی جامعه ما است و با این تفاوت که مشکلات ناشنوایان مذکور چندین برابر اشخاص عادی است به دلیل نپذیرفتن نیروی کار ناشنوایان و نیز نگاه منفی کارفرمایان به توانایی بالقوه کار ناشنوایان و نیز بخشی از آن به فرهنگ جامعه ما باز می‌گردد. بنابراین تا زمانی که متولیان امور معلولان مشکلات بیکاری جوانان ناشنوا را حل نکنند، آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد؛ مشکلات خانوادگی؛ فساد اخلاقی؛ طلاق و نهایتاً رها شدن فرزندان بی‌سرپرست به دامن مراکز شبانه‌روزی بهزیستی ماحصل از آن‌هاست و طبیعی است افراد ناشنوا باید از یک سری امتیازات ویژه و حقوق خاص خود برخوردار باشند تا وضعیت خودشان را با شرایط جامعه ما تا حدودی تطبیق دهند و علاوه بر آن سازمان‌های متولی نظیر بهزیستی؛ آموزش و پرورش استثنائی؛ شهرداری‌ها و فراکسیون امور معلولین در مجلس و نیز نهادهای غیردولتی در حوزه ناشنوایان باید از حقوق اصلی ناشنوایان دفاع کنند. همچنین ابزارهای پیگیری لازم را داشته باشند و راهکاری را ارائه دهند؛ زیرا هدف اصلی ما حل شدن مشکلات حاد ناشنوایان است و در پیشگاه خداوند پاسخگوی کوتاهی اعمالمان هستیم و این وظیفه خطیر متوجه روحانیون محترم علاقه‌مند به سرنوشت ضعیف‌ترین افراد جامعه نیز می‌باشند. تا با بهره‌گیری از ابزارهای لازم نسبت به کوتاهی مسئولان هشدارهای لازم را بدهند و پیگیری کارشان را داشته باشند تا ناشنوایان به بخشی از حق و حقوق خود دست یابند.

اما در اینجا به نمونه مهم اشاره می‌کنم که در تقویم سالیانه در دولت قبل اتفاقی از نظر بعد فرهنگی رخ داده بود که انجام آن برای ما ناشنوایان غیرقابل هضم است! و آن حذف روز جهانی ناشنوایان (۸ مهر) از تقویم است. علیرغم اعتراض شدید ما و نیز درخواست پاسخگویی سریع از مسئولان متولی برای دفاع از نقض حقوق آشکار ما، متأسفانه بعد از گذشت سه سال هنوز این حق بزرگ را به ما برنگردانده است و در حالی که روز جهانی نابینایان و معلولان در تقویم به قوت خود باقی مانده است. ما همچنان مصرّاً به انجام خواسته‌هایمان از سوی مسئولان مرتبط هستیم.

* با توجه به سوابق چندین ساله شما در امر آموزش ناشنوایان و شناختی که از این عزیزان دارید؛ نظرات خودتان را در رابطه با معلولین ناشنوا بیان بفرمایید؟

همان‌طور که می‌دانید در کشورمان تعداد زیادی معلول وجود دارند و معلولان به عنوان اعضای جامعه (شهروند درجه سه) هستند که به حقوق و خواسته‌هایشان تا حدودی بی‌توجهی شده است و نبودن امکانات، حضور آنان در جامعه کم رنگ کرده است؛ بنابراین اشخاص ناشنوا در جامعه ما دارای مشکلات عدیده‌ای هستند که هیچ‌کس پاسخگوی مطالبات آنان نیستند؛ و این برمی‌گردد به بی‌توجهی مسئولان امر برای حمایت؛ تأمین امنیت شغلی؛ ازدواج؛ مسکن و... که معلولان ناشنوا بتوانند با وجود مشکلات اقتصادی و هزینه‌های سرسام‌آور معیشتی و توان‌بخشی؛ از حداقل امکانات زندگی بهره‌مند شوند؛ بنابراین ناشنوا و خانواده‌هایشان چه گناهی کرده‌اند که تاوان ناشنوا بودن خود را پس بدهند؟! خانواده‌هایی که از موهبت زندگی خوب برخوردار نیستند چگونه می‌توانند فرزندش را تا پایان زندگی مورد حمایت قرار دهند و از آسیب‌های اجتماعی که برای فرزندش پیش می‌آید؛ جلوگیری کنند. بنابراین با توجه به موارد فوق طبیعی است که متولیان امور معلولان دلیل کاهش خدمات به آنها را کاهش بودجه و سایر اعتبارات پیش‌بینی شده برای حمایت و ساماندهی از آنها توجیه کرده‌اند! به اعتقاد بنده؛ کاهش خدمات به معلولان؛ دلایل موجه و منطقی ندارد چرا که این مشکل با نقض حقوق معلول برابر است؛ بنابراین دولت نمی‌تواند از بودجه معلولین کم کند و باعث شود که معلولین با مشکل مواجه شوند و در واقع وظیفه دولت حمایت از حقوق معلولین در ابعاد مختلف است که سازمان‌های متولی به هیچ عنوان حق کاهش خدمات و امکانات را نسبت به افراد معلول ندارند. برای نمونه مثال ساده در گذشته باطری سمعک ارزان با بسته هزار تومانی در بخش‌هایی از بهزیستی به صورت ماهانه در اختیار ناشنوایان قرار می‌دهند و در حال حاضر این‌گونه خدمات ساده را جمع کردند! بنابراین متقاضیان ناشنوا که از طبقه متوسط یا ضعیف جامعه هستند چگونه می‌توانند ماهانه بسته‌های باطری سمعک را به صورت آزاد و به قیمت چندین برابر تهیه نمایند؟! حتی در گذشته بنده در سمت ریاست یکی از سازمان‌های مردم نهاد، بارها به سازمان‌های متولی خدمات معلولین اعلام کرده‌ایم که آمادگی کامل را برای همکاری و ارائه راه‌کارها و حل مشکلات ناشنوایان داریم؛ زیرا هدف اصلی ما حل شدن مشکلات معلولین در جامعه است.

* از شرکت در مراسم جهانی معلولین و دستاوردهای آن برایمان بگوئید؟

بنده در دو دوره گذشته مسند ریاست انجمن خانواده ناشنوایان ایران را بر عهده داشته‌ام؛ مفتخر به دریافت لوح سپاس و افتخاری از وزیر رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور برای دومین بار متوالی؛ به‌عنوان یکی از فعال و موفق‌ترین سازمان‌های مردم نهاد در حوزه ناشنوایان ایران شده‌ام و همچنین در زمان تصدی خدمت به آن انجمن دستاوردهای از جمله دریافت لوح تقدیر از نهادهای مختلف؛ همکاری مستمر با سازمان‌های دولتی و غیردولتی در حوزه معلولین در جهت کسب احقاق حقوق معلولین و نهایتاً انتخاب شدن بنده در دو دوره متوالی در مجمع عمومی سازمان‌های مردم نهاد امور معلولان استان تهران به عضویت اصلی

*** چگونه می‌توان توجه مسئولین و نمایندگان مجلس را به مشکلات معلولین و در این حوزه ناشنوایان معطوف کرد؟**

- بنده در دوره‌های مسئولیتی در انجمن ناشنوایان؛ بارها در مورد مشکلات زیاد ناشنوایان؛ حرف‌ها و اطلاع‌رسانی‌های به‌صورت گسترده به سازمان‌های متولی و جامعه و حتی صدا و سیما و نشریات انجام داده‌ام. ولی تاکنون حتی یک دهم نتیجه از این پیگیری‌های لازم را نگرفته‌ایم و بازتاب مؤثری در بین مسئولان و حتی نمایندگان محترم فراکسیون امور معلولان در مجلس به همراه نداشته است و با هر دعوتی از رؤسای نهادهای غیردولتی برای جلسات هم‌اندیشی و بررسی مشکلات معلولین؛ باز هم حرف‌ها و پیشنهادات و نامه‌نگاری‌های گذشته توسط نمایندگان نهادهای غیردولتی در دست آنها باقی‌مانده است و قدرت و ابزارهای لازم برای اجرای قوانین حمایتی تاکنون مثر ثمر واقع نشده است. در این راستا بنده پیشنهاداتی دارم که با حمایت دفتر مقام معظم له و نیز تعامل و همکاری همه جانبه روحانیون محترم علاقه‌مند به سرنوشت معلولین و به خصوص ناشنوایان در حوزه‌های علمیه قم و مشهد مقدس در پیگیری‌های احقاق حقوق معلولان علی‌الخصوص قشر ناشنوایان به بخشی از حقوق از دست رفته آنان دست یابیم و از این‌رو بنده به‌عنوان کارشناس با سابقه سی ساله آمادگی همکاری متقابل برای رفع معضلات ناشنوایان هستم.

*** در صورت امکان یک خاطره شیرین از دوران مدیریتی در انجمن خانواده ناشنوایان بفرمایید؟**

- بنده در دوره تصدی مسئولیت آن انجمن؛ خدمات زیادی را در تأمین نیازها و خواسته‌های اعضای انجمن با همکاری هیئت مدیره و نیز همکاران افتخاری انجمن انجام داده‌ایم؛ اما همچنان در بحث حقوق اصلی ناشنوایان مشکل لاینحل مانده است؛ امید است در دولت تدبیر و امید؛ مشکل معلولان جامعه با رفع تحریم اقتصادی کشورمان حل شود و معلولان عزیز به بخشی از حقوق خود دست یابند.

در ارتباط با خاطرات شیرین؛ به اعتقاد بنده برای همه خدمتگزاران

واقعی انجمن شیرین و به یاد ماندنی است که خاطرات جاودانه را برای آنان به ارمغان می‌آورند و در اینجا به یک خاطره شیرین و آموزنده بسنده می‌کنم: در یکی از روزها طبق برنامه همیشگی؛ یکی از عزیزان ناشنوا که خانم محترمی است و ضمن اجازه ورود خواستن؛ کاغذی را به من داد و اظهار داشت که برادر بزرگترش اصرار زیادی داشته که حتماً آن کاغذ را به دست رئیس انجمن برساند و روی آن کاغذ چنین نوشته است: سرکار خانم لیلا اعتماد؛ ضمن عرض سلام و خسته نباشید، از برگزاری کلاس‌های مذهبی آموزشی شما که موجب ارتقای آگاهی جامعه ناشنوایان را فراهم کرده؛ تشکر و قدردانی به عمل می‌آید. مهرناز هر موقع از کلاس‌های شما فارغ می‌شود تمام اندوخته‌های خود را به منزل منتقل می‌نماید. من به ایشان می‌گویم قدر خانم اعتماد را بدانید؛ ایشان شما را به بهشت دعوت می‌کند. (متن دست‌نوشته در دسترس است)

*** لطفاً شرح مختصری از کارهای انجام شده در دوره مدیریت شما در انجمن خانواده ناشنوایان بفرمایید؟**

- همان‌طور که در موارد بالا ذکر کرده‌ام؛ کارهای بی‌شماری در ارتباط با اعضای محترم در زمینه‌های فرهنگی؛ هنری؛ آموزشی؛ مذهبی؛ اشتغال‌زایی؛ ازدواج؛ مشاوره؛ توان‌بخشی؛ خدمات رابطان و مترجمان و آموزش زبان اشاره و غیره صورت گرفته است. جدای از این‌ها به چند مورد کاری اشاره می‌نمایم:

۱- فیلم مستند «معلم کاشف» محصول سال ۱۳۸۹ انجمن خانواده ناشنوایان ایران به کارگردانی خانم لادن صحرایی فیلمساز ناشنوا که به جشنواره بین‌المللی کیش راه یافت و تندیس و دیپلم افتخار را نصیب کارگردان نمود.

۲- فیلم مستند «زمزمه در باد» محصول سال ۱۳۹۰ به تهیه کنندگی انجمن خانواده ناشنوایان ایران و کارگردانی لادن صحرایی و نویسندگی اینجانب که در فهرست آثار برگزیده جشنواره فیلم رضوی قرار گرفت.

۳- کسب پروانه نشریه و مجوز فصلنامه «آوای نگاه» (تنها نشریه متخصص در حوزه ناشنوایان سراسر کشور) به صاحب امتیازی انجمن خانواده ناشنوایان ایران و مدیر مسئولی بنده در پایان سال





که همایش ۳ روزه برای بحث و تبادل نظر و ارائه راهکاری‌ها نوین با حضور مترجمان کشور برگزار شده است که بنده نیز در آن همایش حضور داشتم.

بنابراین با توجه به موارد فوق می‌توانم ادعا کنم که سازمان‌های دولتی در امر آموزش زبان اشاره ناشنوایان ایران هیچ‌گونه نقشی نداشته‌اند و لزومی به اجرای این آموزش ضروری و با اهمیت در خود نمی‌بینند.

* چرا ناشنوایان در همایش‌های عمومی معلولین کمتر شرکت می‌کنند؟

قبل از گفته‌ام که عدم شرکت ناشنوایان در همایش‌های مرتبط به معلولین دیگر، به عدم استفاده از برنامه‌های همایش بدون حضور رابطان و مترجمان ناشنوا برمی‌گردد و اگر دقت کرده باشید برگزاری چنین همایش‌هایی بدون حضور رابطان به معنی عدم حضور شرکت‌کنندگان ناشنوا هستند زیرا آنها آن‌گونه که باید و شاید نمی‌توانند از برنامه‌های چنین همایشی استفاده کنند. مسئله دیگر به عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی نداشتن ناشنوایان از برنامه‌های همایش‌ها می‌توان ذکر کرد.

* با تشکر از شما بابت وقتی که برای مجله توان‌نامه گذاشتید؛ اگر حرفی برای گفتن هست؛ بفرمائید؟

عزیزان گرانقدر؛ مسئولان محترم؛ روحانیون ارجمند؛ مترجمان توانمند ناشنوا؛ خانواده‌های محترم و... همانطور که مطلع هستید در کشور ما ایران هنوز تساوی حقوق و فرصت برابر با افراد جامعه به معنای واقعی تحقق نیافته است و علت آنها به اما و اگرها بر می‌گردد و در حالی که مسبب اصلی این‌گونه مشکلات به عهده ما بوده و هست که در قبال حقوق از دست رفته معلولان عزیز کوتاهی کرده‌ایم. بنابراین در زمان کنونی شرایط جامعه ما رو به سرعت و پیشرفت فناوری نوین سپری می‌شود و در کشور ما ایران اقلیت جمعیتی یعنی معلولان از حداقل امکانات مناسب و رفاهی برای حضور در جامعه برخوردار هستند. اگر همچنان به وعده و وعیدهای مسئولین به دیده خوشبین بنگریم، از قافله آن جامعه چندین سال فاصله گرفته‌ایم و این هشدار است برای شما که حق به گردن معلولان عزیز دارید تا دیر نشده برای رفع معضلات اساسی معلولین قدم‌های استوار و سازنده و مثبت بردارید و خداوند در این راه یاورتان خواهد بود.

۱۳۹۱ تعلق گرفت. لازم به یادآوری است علیرغم پیگیری شش ساله توسط بنده؛ برای کسب مجوز فصلنامه مذکور تا شمارگان چهارده به مدیر مسئول و سردبیری اینجانب به صورت نشریه داخلی انجمن خانواده ناشنوایان به چاپ رسید.

۴- کسب مجوز لازم از شهرداری تهران برای نام‌گذاری خیابان منتهی به میدان سید جمال‌الدین اسدآبادی و آموزشگاه ناشنوایان باغچه‌بان به نام «مرحوم جبار باغچه‌بان» و نیز پارک بالاتر از آموزشگاه‌های ناشنوایان به نام آن مرحوم در سال ۱۳۸۹.

* وضعیت زبان اشاره چگونه است؟

همان‌طوری که می‌دانید طبق کنوانسیون جهانی حقوق معلولین، حق آموزش زبان اشاره برای اشخاص ناشنوا محفوظ است و به طور کلی هر فرد ناشنوا می‌تواند از ارتباط کلی به صورت شفاهی و اشاره‌ای برخوردار باشد و به بیان دیگر هر فردی ناشنوا با توجه به توانایی خویش جهت برقراری ارتباط خویش با هم‌نوعان و افراد جامعه از ابزاری که در اختیار دارد، استفاده بهینه می‌نماید و از آنجایی که چگونگی استفاده از این دو روش کلی در ناشنوایان متفاوت است که به میزان شنوایی، ناشنوای مطلق و کم شنوایی بستگی دارد و بایستی به توانایی مکتسبه خویش احترام گذاشت و یادگیری زبان اشاره را که همان زبان طبیعی خود است، جزء حقوق اساسی آن فرد ناشنوا بشمار می‌رفت.

بنابراین با توجه به موارد مطرحه، متأسفانه در کشور ما متولیان امور معلولان خصوصاً ناشنوایان جدالی سخت را جهت پیاده کردن نظام آموزش زبان اشاره در جامعه شروع کرده‌اند و بر همین مبنا به اعتقاد آنان یادگیری زبان اشاره در افراد ناشنوا مانعی بزرگ جهت حضور و مشارکت هرچه بیشتر آنان در جامعه است!

بنابراین به اعتقاد بنده، با توجه به تحقیق انجام شده در سطح بین‌المللی و ملی روش آموزش قرآن کریم همراه با اشاره روی کودکان عادی که از این روش استفاده کرده‌اند، ثابت شده که کودکان در استفاده از این روش بهره‌مندی بیشتری را نشان داده‌اند.

بنابراین کودکان در زمان یادگیری زبان چنانچه از روش اشاره برای آنها استفاده شود، آموزش سهل‌تر و عمیق‌تر انجام می‌شود.

* وضعیت آموزش زبان اشاره

وضعیت آموزش زبان اشاره به علاقه‌مندان سرنوشت ناشنوایان جهت برقراری ارتباط ساده و دوستانه با افراد ناشنوا در کشورمان در حد صفر است تا آنجایی که اطلاع دارم حدود ۲ دهه این آموزش در مراکز بهزیستی تهران اجرا می‌شده است و حتی کلاس‌های هنرآموزی و سوادآموزی به ناشنوایان جهت معرفی به واحد کارایی و اشتغال‌زایی و نیز حداقل بهره‌مندی و برخورداری این افراد از مواهب زندگی در مرکز حرفه و رفاه ناشنوایان تهران (شهید آیت) برگزار می‌نموده است ولی متأسفانه حدوداً یک دهه است که این بساط ضروری و مهم را برچیده‌اند!

بنابراین در شرایط فعلی بخشی از سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی در حوزه ناشنوایان نظیر انجمن خانواده ناشنوایان ایران و کانون ناشنوایان ایران و هیئت عزاداران ناشنوایان مشهد و دفتر امور معلولان قم، این امر مهم آموزش زبان اشاره به رابطان و مترجمان ناشنوایان را چندین سال در دستور کار خود قرار داده‌اند و الحمدلله با برنامه‌ریزی مداوم و منسجم خود توانسته‌اند افراد بیشتری اعم از روحانیون، دانشجویان، کارمندان بهزیستی، کودکان شنوا و افراد عادی را به صورت رابطان تربیت کنند و البته در این امر موفق شده‌اند و نمونه‌ای از آن جشنواره اخیر امام رضاع) در مشهد مقدس